

سیستم بانکی

در

طرح ساماندهی اقتصادی

اکبر پیروزفر

باشد (به علت تعارض با اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی شدن بانکها)، نه ورشکستگی یک بانک مشابه تاجر بخش خصوصی قابل طرح می باشد. سرمایه کلیه بانکها نیز متعلق به دولت است و بخش خصوصی در تشکیل و اداره بانک نقشی ندارد.

*** زمان آن فرارسیده است که قانون واحدی تحت عنوان قانون پولی و بانکی یا قانون بانکداری جانشین قوانین فعلی شود.**



لایحه قانونی اداره امور بانکها نیز مقررات اداره امور بانکها را وضع کرده است. اما در قانون عملیات بانکی

بدون ربا، به شرحی که در مقدمه آمده است، بخشهایی وجود دارد که می شد قسمت هایی را در قانون پولی و بانکی کشور جا داد، یا فصل چهارم به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مربوط شده و نظامات مربوط به بانک مرکزی در قانون پولی و بانکی مطرح شده است.

البته شاید پراکندگی مقررات بانکی اجتناب ناپذیر بوده، زیرا قانون پولی و بانکی وجود داشته و بعداً فقط تغییرات مختصری در آن داده شده است. لایحه اداره امور بانکها هم پس از ملی شدن بانکها و در مقطع زمانی خاصی به تصویب رسیده که به لحاظ اهمیت و فوریت امر، مجال و فرصتی برای بازنگری

سال ۱۳۶۲، متضمن اهداف نظام بانکی، وظایف نظام بانکی، تجهیز منابع پولی، بانک مرکزی و سیاست پولی، متفرقه. لازم به یادآوری است که اصل ۴۴ قانون اساسی، بانکداری را در بخش دولتی قرار داده است و در نتیجه، آنچه مورد بررسی و بازنگری و تجدیدنظر در مقررات بانکی قرار خواهد گرفت، می بایست در همین مسیر باشد.

در مقام تجدیدنظر و بازنگری درباره مقررات بانکی، البته از نظر تشکیلاتی و ساختاری و



سازمانی، مطلبی که مهم و ضروری به نظر می رسد، همانا تلفیق و تجمیع مقررات نظام بانکی است که به طور پراکنده در ۴ قانون یادشده وجود دارد، به این معنی که در قانون پولی و بانکی، شرایط تأسیس بانک (فصل اول) و شرایط و نحوه فعالیت بانکها (فصل دوم) و ترتیب انحلال و ورشکستگی بانک (فصل سوم) عنوان شده است که در حال حاضر، با وضع نظام بانکی کشور قابل انطباق نیستند. به عنوان مثال، برطبق بند ج ماده ۳۰ تأسیس بانک در ایران موکول به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی ایران است، یا بند الف ماده ۳۱ که مقرر می دارد: تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن خواهد بود، یا در فصل سوم ترتیب انحلال و ورشکستگی بانکها. این مقررات، ناظر به زمانی بوده که بانکها در بخش خصوصی هم می توانستند فعال باشند، اما در شرایط حاضر، نه بانک به صورت شرکت سهامی عام می تواند

در طرح ساماندهی اقتصادی، مصوب جلسه ۷۷/۵/۲۱ هیأت محترم وزیران و ضمن بند ۵۰، درباره سیستم بانکی کشور نکاتی در ۷ مورد عنوان شده است که در واقع، تکلیف به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می باشد و به نظر رسید که بررسی و اظهار نظر و ارایه پیشنهاد در مورد پاره ای از بخش های ذیل بند ۵۰ طرح خالی از فایده نباشد.

توضیح اینکه ضمن ردیف های ۱ و ۲ بند ۵۰ طرح، به قوانین و مقررات مربوط به سیستم بانکی کشور و در ردیف ۴ به اصلاح ساختار مالی و در ردیف ۵ به تسهیلات تکلیفی و در ردیف ۶ به مسأله رقابت بین بانکها اشاره شده است.

اینک، نکاتی که نسبت به موارد بالا به نظر رسیده است، از نظر خوانندگان محترم می گذرد، شاید هم زمینه فکری برای بررسی موضوع در بانک مرکزی ایجاد شود و هم رسیدن به اهداف طرح ساماندهی درباره سیستم بانکی کشور را تسهیل کند.

بخش اول

در حال حاضر، عمدتاً ۴ قانون اصلی و مهم زیر، برحسب تاریخ تصویب، بر نظام بانکی کشور حاکم می باشد:

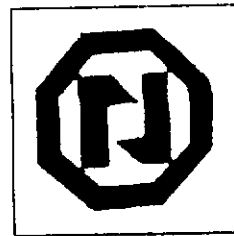
- ۱- قانون پولی و بانکی کشور، مصوب سال ۱۳۵۱،
- ۲- قانون ملی شدن بانکها، سال ۱۳۵۸،
- ۳- لایحه قانونی اداره امور بانکها، مصوب سال ۱۳۵۸،
- ۴- قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوب

مقررات سابق و تدوین قانون جامع و مانع وجود نداشته است. قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز در شرایط خاص خود به تصویب رسیده و هدف و منظور از آن استقرار نظام جدید بانکی بدون ربا بوده و کمتر به ساختار سیستم بانکی توجه شده است و به جای اینکه مقررات فصل چهارم آن (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیاست پولی) در قانون پولی و بانکی و با اصلاح یا نسخ مقررات معارض گنجانده شود، در قانون عملیات بانکی بدون ربا جا گرفته است.

* برای تأمین استقلال بانکها باید مقررات موضوعه دولتی در صورتی شامل بانکها شود که تصریح شده باشد.

با عنایت به مراتب بالا، در حال حاضر که بانکداری در ایران تابع اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد و عملکرد چندین ساله نظام بانکی کشور تجربه هایی را به مسوولان و متصدیان امور بانکی آموخته، زمان آن فرا رسیده است که قانون واحدی جانشین چند فقره قانون حاکم بر نظام بانکی کشور شود، به این معنی که از تلفیق و تجمیع قوانین یاد شده با تغییرات و اصلاحات لازم، مجموعه واحدی تحت عنوان قانون پولی و بانکی یا قانون بانکداری به پیشنهاد دولت به تصویب قوه مقننه برسد.

بدیهی است که قانون مورد بحث بخش های مختلفی را در بر خواهد گرفت، مثلاً موضوع مقررات پولی آنچه در قانون



پول و بانکی آمده با اصلاح و بازنگری لازم حسب مقتضیات زمان - معاملات بانکها و اعطای تسهیلات با استفاده از قانون عملیات بانکی بدون ربا با بازنگری لازم - ضوابط اداره بانکها با استفاده از لایحه قانونی اداره امور بانکها با تغییرات اساسی به منظور افزایش اختیارات نظام بانکی و دادن آزادی عمل

اطلاعات و ماهنامه تازه های اقتصاد و کتاب بانک و بانکداری در ایران به چاپ رسیده است.



البسته در صورت بازنگری قوانین موجود و تدوین قانون واحد، ماده واحده پیشنهادی یکی از مواد اساسی و

اصلی قانون واحد خواهد بود. به این ترتیب، در فرض وجود قوانین و مقررات محدودکننده اختیارات نظام بانکی، با تصویب قانون جدید، آن موارد هم نسخ خواهد شد. حق مطلب اینست که با تصویب قوه مقننه تعریف جامع و مستقلی برای آن در نظر گرفته شود و با توجه به تأمین استقلال سیستم بانکی، مقررات موضوعه دولتی در صورتی شامل بانکها شود که تصریح شده باشد^(۱)، یعنی بانکها هرچند که تحت نظارت دولت هستند، ولی شخصیت حقوقی مستقلی داشته باشند و طرز کار و اصول معاملات آنها در حد وسیع تابع مقررات دولتی باشد. لازم به یادآوری است که نه در مقررات ملی شدن بانکها و نه در لایحه قانونی اداره امور بانکها، شکل حقوقی سیستم بانکی کشور مشخص نشده است. استناد به ماده ۴ قانون محاسبات عمومی، مصوب سال ۱۳۶۶^(۲) هم رفع ابهام و اشکال نمی کند. ماده مذکور ایرادهایی به این شرح دارد:

* نه در مقررات ملی شدن بانکها و نه در لایحه قانون اداره امور بانکها، شکل حقوقی سیستم بانکی مشخص نشده است.

- ۱- دادگاه صلاحیت ملی کردن را ندارد.
- ۲- این که گفته شده: به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد، مرجع یا مقام مشخص کننده کدام است؟
- ۳- موضوع مصادره، آن هم در صورتی که مجوز قانونی داشته باشد، مال اعم از منقول و غیر منقول می باشد. طبق ماده ۴ واحد سازمانی

بیشتر و استقلال معقول در اداره خود. یادآوری می کند که در این نوشته، هدف این نیست که جزئیات و ریزه کاری های اصلاحات گفته شود، زیرا اظهار نظر در کل مسایل مورد نظر در صلاحیت تدوین کننده نیست، اما مطلبی که بسیار مهم می باشد، اینست که پایه کار تدوین و تنظیم مقررات جایگزین می بایست توسط افراد مطلع و علاقمند صد درصد بانکی و بر حسب رشته اطلاعات و معلومات آنان گذاشته شود، زیرا این افراد عملاً در جریان امور بانکی هستند و نارسایی ها و اشکال های کار بانک را مسلماً بهتر و بیشتر از افراد دیگری می دانند که فقط از دور نظاره گر سیستم بانکی کشور هستند. به تجربه ثابت شده است که تصمیماتی که در مورد امور بانکی توسط اشخاص غیر مرتبط گرفته شده، عملاً نتیجه مطلوب و رضایت بخش نداده است.

بخش دوم

در این بخش نکاتی را درباره ردیف های ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ بند ۵۰ طرح ساماندهی اقتصادی و با درج متن هر ردیف مطرح می نماید:

متن ردیف ۱:



"اجرای کامل قانون پولی و بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا و تأمین اختیارات نظام بانکی در

چارچوب این قوانین و تجدیدنظر در سایر قوانین و مقررات محدودکننده اختیارات نظام بانکی." همانطور که در بخش اول اشاره شده است، تجدیدنظر و بازنگری در قانون پولی و بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا به منظور تدوین قانون واحد حاکم بر سیستم بانکی کشور ضروری است. بنابراین، تأکید بر اجرای کامل دو قانون یاد شده، که متضمن تأمین اختیارات نظام بانکی هم باشد، مانعاً الجمع به نظر می رسد. در نتیجه، قانون جدیدی لازم است که نظام بانکی را از اختیارات مطلوب بهره مند سازد. آنچه برای تأمین این منظور به نظر رسیده است، پیشنهاد تصویب ماده واحده ای است که قبلاً در سال های گذشته از طرف نویسندگان اعلام شده و در روزنامه

اگر مصادره شده باشد، شرکت دولتی تلقی می‌شود؛ پس غیر آن مشمول این حکم نمی‌شود. **متن ردیف ۲:** "تجدیدنظر در مقررات مربوط به مدیریت و نحوه اداره امور بانکها به منظور رقابتی نمودن هرچه بیشتر فعالیت‌های بانکی."

*** با توجه به اینکه بانکداری در بخش دولتی قرار دارد و سرمایه بانکها هم متعلق به دولت است، چه لزومی دارد که تعداد زیادی از وزرا عضو مجمع عمومی بانکها باشند؟**

در این قسمت دو مطلب مورد نظر می‌باشد: یکی، تجدیدنظر در مقررات مربوط به مدیریت و نحوه اداره امور بانکها؛



دیگری، رقابتی کردن هرچه بیشتر فعالیت‌های بانکی که می‌بایست ثمره و نتیجه تجدیدنظر در مقررات مدیریت و نحوه اداره امور بانکها باشد. در حال حاضر، مقررات مشخص و موجود مربوط به نحوه اداره امور بانکها، مقررات مصوب سال ۱۳۵۸ تحت عنوان "لایحه قانونی اداره امور بانکها" می‌باشد که کلیه بانکهای تجاری و تخصصی و بانکهای دولتی و ملی شده را دربر گرفته است. این قانون، که به فاصله چند ماه از ملی شدن بانکها وضع شده است، پس از گذشتن چندین سال از تاریخ تصویب آن و تجربیاتی که در طول زمان درباره اداره بانکها به دست آمده، لزوماً قابل بازنگری و تجدیدنظر می‌باشد.

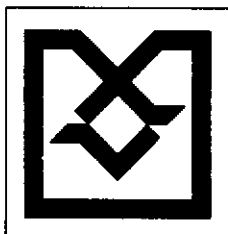
در این قانون، بدون اینکه شکل حقوقی بانکها تعریف و تعیین شده باشد که مؤسسه دولتی هستند یا شرکت دولتی یا غیر آن، ارکانی که معمول شرکتهاست، برای بانکها هم تعیین شده است، بدون اینکه در خود این قانون تصریح به شرکت بودن بانک شده باشد. همین ابهام و اجمال در طی سالیان گذشته باعث تعبیرها و

اظهارنظرهای مختلف درباره شکل حقوقی بانکها شده است که البته شرکت بودن بانک تقریباً نظریه غالب بوده، بدون اینکه صراحت قانونی لازم در این باره وجود داشته باشد. به هر حال، ارکان تعیین شده عبارتند از: مجمع عمومی، شورای عالی، هیأت مدیره، مدیرعامل، بازرسان قانونی. البته در حال حاضر، مجمع عمومی و شورای عالی مشترک بین تمام بانکهاست، یعنی کلیه بانکهای تجاری و تخصصی موجود تابع مجمع عمومی و شورای عالی واحد می‌باشند و از طرف دیگر، برحسب قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی هم می‌تواند از اختیارات و وظایف خود در مورد بانکها استفاده کند.

*** وجود تشکیلاتی از قبیل شورای مدیران عامل بانکها، کمیسیون رؤسای اعتبارات، کمیسیون حقوقی بانکها و غیره از جمله موانع ایجاد رقابت بین بانکهاست.**

بدین ترتیب، قرار گرفتن کلیه بانکها زیر نظر مجمع عمومی و شورای عالی واحد طبیعی است که از اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری بانک در اداره خود، خاصه رقابت یک بانک با بانک دیگر می‌کاهد، زیرا تمام بانکها می‌بایست مجری دستورات و نظریات یک مرجع باشند و از استقلال نسبی معقول برخوردار نباشند.

ترکیب مجمع عمومی هم در قانون سال ۱۳۵۸ قابل توجه است. با عنایت به اینکه بانکداری در بخش دولتی قرار دارد و



سرمایه بانکها هم متعلق به دولت است، چه لزومی دارد که تعداد زیادی از وزرا عضو مجمع عمومی باشند؟ حداکثر سه نفر وزیر مرتبط - فرضاً وزرای امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی به طور ثابت و یک وزیر دیگر به انتخاب هیأت دولت - برای هر جلسه مجمع عمومی، و

ریاست مجمع هم با وزیر دارایی خواهد بود.



درباره شورای عالی هم می‌توان گفت که نقش اساسی و عمده در اداره بانکها ندارد، زیرا با توجه به ماده ۱۳ قانون، تقریباً

تمام وظایف و اختیارات شورا، اقدام به اموری و ارجاع آن به مجمع عمومی برای اخذ تصمیم نهایی است و در شرکتها هم رکنی به نام شورای عالی وجود ندارد. در فرض اینکه در نظر باشد که دبیرخانه یا تشکیلاتی برای انجام امور مقدماتی مسایل مطروحه در مجمع عمومی وجود داشته باشد، چنین تشکیلاتی با حضور ۹ عضو ضرورت ندارد، آن هم در سطح نماینده‌های وزارتخانه‌ها. به عبارت دیگر، در شرایطی که ریاست شورا با رئیس کل بانک مرکزی است و یک عضو شورا نیز مدیرعامل بانک ملی ایران می‌باشد، بقیه اعضا نماینده‌های وزارتخانه‌ها هستند که ممکن است حداقل در سطح معاون وزارتخانه هم نباشند.

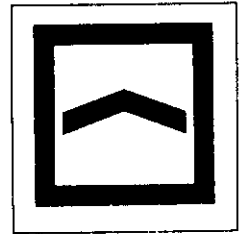
*** چه لزومی دارد که تنها مدیرعامل بانک ملی ایران عضو شورای عالی بانکها باشد؟ و چرا مدیران عامل دیگر بانکها در این شورا عضویت نداشته باشند؟**

در نتیجه، تناسبی از لحاظ پست و موقعیت شغلی بین رئیس کل بانک مرکزی و مدیرعامل بانک ملی ایران با بقیه اعضا وجود ندارد. مضافاً اینکه، عضویت مدیرعامل بانک ملی هم در شورا ضروری به نظر نمی‌رسد، زیرا بانکهای دیگر هم نماینده در شورا ندارند.

درباره هیأت مدیره و مدیرعامل نکاتی که مهم بوده و اجمالاً و به اختصار توضیح داده می‌شود، اینست که جزو اختیارات و وظایف شورای عالی، پیشنهاد اعضای هیأت مدیره بانکها به مجمع عمومی است. این شورا مرکب از نماینده‌های وزارتخانه‌ها، به اضافه ریاست کل

بانک مرکزی و مدیرعامل بانک ملی ایران است. درباره نماینده‌های وزارتخانه‌ها که اعضای هیأت مدیره بانک‌ها را به مجمع عمومی پیشنهاد می‌کنند، دو نکته قابل ذکر است:

اولاً، بسیار بعید به نظر می‌رسد که فرضاً نماینده‌های وزارتخانه‌ها، مخصوصاً وزارتخانه‌های



غیرمرتبط، شناختی در مورد افراد ذیصلاح برای تصدی عضویت هیأت مدیره یک بانک داشته باشند. گرچه ذیل ماده ۱۰ قید شده است که در انتخاب نمایندگان وزارتخانه‌ها جنبه‌های صلاحیت و تخصص در امور اقتصادی و بانکی و مدیریت باید رعایت شود، اما عملاً تحقق این امر غیرممکن به نظر می‌رسد، زیرا نمی‌توان گفت که در وزارتخانه‌ای - فرضاً وزارت صنایع - فردی وجود دارد که تخصص در امور بانکی داشته و مضافاً فردی یا افرادی را هم می‌شناسد که صلاحیت عضویت هیأت مدیره بانک را دارند که بخواهد آن را به مجمع عمومی پیشنهاد کند.

ثانیاً، برای اعمال نظارت ریاست کل بانک مرکزی یا مدیرعامل بانک ملی برای انتخاب و پیشنهاد اعضای هیأت مدیره بانک‌ها به مجمع محلی به نظر نمی‌رسد. در واقع، از نظر قانون پولی و بانکی، در زمانی هم که بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران فعالیت می‌کردند، بانک مرکزی درباره اعضای هیأت عامل بانک‌های دولتی، از قبیل بانک ملی ایران و بانک رهنی ایران و بانک کشاورزی خالصی نداشت و برطبق اساسنامه بانک‌های مذکور عمل می‌شد.

درباره انتخاب مدیرعامل بانک هم (ماده ۱۵) ایراد و اشکال فوق وارد است. مضافاً اینکه، شکل صحیح کار اینست که مدیرعامل بانک از بین اعضای هیأت مدیره و با انتخاب هیأت مدیره تعیین شود. البته در صورت تجدیدنظر در قانون یادشده، تجدیدنظر و بازنگری در اساسنامه بانک‌ها هم ضرورت پیدا خواهد کرد که مرحله بعدی کار است.

از سوی دیگر، یکی از موانع رقابت بین بانک‌ها، وجود تشکیلاتی از قبیل شورای مدیران عامل، کمیسیون رؤسای اعتبارات و کمیسیون

حقوقی بانک‌ها و غیره می‌باشد که پایه و اساس قانونی هم ندارند، به این معنی که هر بانک به جای اینکه مشکل خود را در جنبه‌های مختلف رأساً حل کند، به این کمیسیون‌ها و شوراهای روی می‌آورد و در نتیجه، کار بانک‌ها یکنواخت و یکسان می‌شود و ابتکار از بانک‌ها سلب می‌گردد. یک بانک که دارای قدرت خلاقیت و ابتکار است، می‌بایست از بانکی که چنین قدرتی ندارد، در مقام رقابت جلو بیفتد. بنابراین، حذف این تشکیلات و تشریفات زاید می‌بایست مورد توجه باشد.

متن ردیف ۴: "اصلاح و سالم‌سازی ساختارهای مالی بانک‌ها، به‌ویژه در مورد کفایت سرمایه در حد استانداردهای بین‌المللی."

درباره قسمت اول ردیف مذکور در فوق دو نکته به نظر رسیده است:

۱- کاهش هزینه‌های اداره بانک‌ها، به‌خصوص بازنگری و تجدیدنظر در استفاده از امکانات بانک به هر شکل و به هر صورت که باشد.

۲- در اجرای قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران سازمان‌هایی تحت عنوان شرکت به ازای طلب به بانک‌ها واگذار و



در واقع، تحمیل شده‌اند. کار اینگونه شرکت‌های تولیدی و صنعتی کار فنی و تخصصی است و معمولاً بانک‌های تجاری هم افراد متخصص و واجد شرایط در این کارها را ندارند، یعنی افرادی که برای اداره این شرکت‌ها گمارده می‌شوند، اغلب در امور مالی صاحب صلاحیت و نظر هستند، نه در امر تولید. بنابراین، فارغ‌کردن بانک‌ها از این نوع تشکیلات در اصلاح ساختار مالی بانک‌ها می‌تواند مؤثر باشد.

متن ردیف ۵: "احتراز از تحمیل تسهیلات تکلیفی روی سپرده‌های بانکی."

مشکلات تسهیلات تکلیفی - چه از منابع خود بانک باشد، چه از سپرده‌های سپرده‌گذاران - در مقاله مندرج در شماره ۶۵ مورخ مهر ۱۳۷۶ ماهنامه تازه‌های اقتصاد به تفصیل از سوی همین نویسنده بیان شده است. در هر دو حالت، مسأله وثایق، که بازپرداخت و برگشت وجوه تسهیلات

را مواجه با مشکل می‌نماید، می‌بایست مورد توجه باشد. فرق نمی‌کند که اشکال بازپرداخت در منابع خود بانک رخ دهد یا در منابع سپرده‌گذاران، نتیجه کار به هدررفتن منابع مالی کشور است. مضافاً اینکه، از لحاظ حسابداری آیا ممکن است مشخص شود که تسهیلات از سرمایه خود بانک است یا از سپرده‌های سپرده‌گذاران؟



متن ردیف

۶: "فراهم کردن زمینه انجام خدمات بانکی به صورت رقابتی و در سافت هزینه تسهیلات و

خدمات بانکی ارایه شده به دستگاه‌های دولتی."

درباره قسمت اول توضیح داده می‌شود: وجود رقابت بین بانک‌ها، استقلال نسبی و معقول هر بانکی را می‌طلبد، به نحوی که بانک بتواند در محدوده مقررات و ضوابط بانکی، دست به کارهای ابتکاری بزند، البته نه به صورت تبلیغات بدون محتوا و غیرعملی، بلکه آنچه را که تبلیغ می‌کند، عملاً و به سهولت و بدون ایجاد مانع و اشکال برای مشتریان خود انجام دهد. علاوه بر این، همانطور که قبلاً اشاره شد، وجود تشکیلات مشترک بین بانک‌ها از موانع ایجاد رقابت بین بانک‌هاست.

به عنوان مثال، در حال حاضر، اغلب بانک‌ها به منظور ارایه خدمات بانکی، به‌ارایه و انتشار انواع چک‌ها پرداخته‌اند، در صورتی که شرکت پست بانک هم خود را وارد به پاره‌ای خدمات بانکی نموده و خدمات دیگری را هم ارایه می‌کند. اما سیستم بانکی نیازمند به ارایه خدمات نوین است. زمانی یکی از بانک‌ها با استفاده از انواع عملیات شورای پول و اعتبار که قبول وکالت از طرف مشتریان را هم از انواع عملیات بانک منظور نموده بود، فرضاً طلب مشتریان خود را از اشخاص، به موجب قبوض اقساطی رسمی و یا قبول وکالت، وصول و ایصال می‌کرد. جامعه نیازمند این نوع خدمات بانکی است. انتشار و عرضه چک‌های گوناگون که انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با مقررات صدور چک هم قابل بحث می‌باشد، کار شاخصی نمی‌تواند باشد. طرح قرارداد افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری

کوتاه مدت توسط مادر برای فرزند صغیر خود به عنوان خدمت نوین، همچنین، طرح قرارداد اعتبار در حساب جاری در قالب مشارکت هم هنوز به نتیجه نرسیده است.

در پایان، بی مناسبت نیست که قسمتی از یکی از مقاله های مربوط به هشتمین سمینار بانکداری (۱۱ و ۱۲ شهریور ۷۶) را ذیلاً درج کنیم: "... بانکها امروزه از حساس ترین و برومندترین نهادهای حقوقی و مالی در همه جوامع بشری هستند. نقش بانکها در تنظیم بازارهای مالی و روند اقتصادی کشور بر هیچکس پوشیده نیست. طبعاً بانکها در روابط خود با مردم - چه در زمینه پذیرش و گردآوری سپرده ها و چه در زمینه دادن وام به اشخاص و مؤسسات تولیدی و غیره - دارای نقش ارزشمندی هستند.

بانکها هنگامی می توانند به هدفهای خود برسند و اعتماد عمومی، به ویژه اعتماد سپرده گذاران را جلب کنند که از قوانین و مقررات روشن و معقول و اثبات برخوردار باشند. حقوق و تعهدات طرفین باید از پیش روشن باشد تا از هرگونه ستمگری، زیاده روی و سوءاستفاده از اقتدارات مالی بانکها جلوگیری به عمل آید. دستیابی به این هدفها مستلزم اینست که مقررات بانکها در همه زمینهها جامع الاطراف بوده و همه نیازهای قرارداد را به گونه روشن و بی ابهام پیش بینی کند. مسایل حقوقی بانکها باید بر پایه قوانین حاکم بر آنها حل و فصل شود و هیچ چیز نباید به تعبیر و تفسیرهای شخصی، آیین نامه های خلق الساعه و روش های عملی مسوولان بانکها واگذار شود. بر این پایه، یک بررسی موشکافانه از قانون عملیات بانکی بدون ربا (که اکنون ۱۴ سال از زمان تصویب آن می گذرد) ضرورت دارد. در این بررسی ها باید نکات زیر روشن شود:

۱- در نظام بانکی کنونی، بهره (یا سود) بانکی برای همه سپرده گذاران و همه وام گیرندگان و برای همه بانکها به گونه یکنواخت به مورد اجرا گذاشته می شود. آیا این برداشت عمومی که نظام بانکی در عمل تغییر بنیادی نکرده و تنها واژه "سود" جای "بهره" را گرفته است، درست است یا نه؟

۲- آیا مشکلات و دشواری های مربوط به قانون عملیات بانکی بدون ربا و عدم توفیق

احتمالی آن، ناشی از شیوه اجرای این قانون از سوی کارمندان و مسوولان بانکهاست یا این اشکالات در ماهیت حقوقی و در ذات این قانون نهفته است؟

۳- آیا واژه عقود اسلامی از نظر ترمینولوژی حقوقی یا فقهی درست است یا نه؟

۴- آیا سیستم بانکی، با مقررات کنونی، پاسخگوی نیازهای اجتماعی کشور ما هست؟ یا این سیستم باعث گسترش معاملات ربوی خارج از چارچوب بانکها شده است؟

۵- آیا این به مصلحت بانکهای کشور است که وارد هزاران قرارداد شرکت و مضاربه و فروش اقساطی و غیره با مردم شوند یا ورود در ماهیت و جزئیات این قراردادها خارج از هدف و موضوع فعالیت و مصلحت کلی بانکهای کشور است؟^(۳)

زیرنویسی ها

(۱) ماده واحده پیشنهادی: بانکهای تجاری و تخصصی موجود در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و بانکهایی که بعداً تشکیل می شوند، سازمانهایی هستند مستقل و دارای شخصیت حقوقی که با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی، به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت بوده و سرمایه آنها نیز متعلق به دولت است. بانکها طبق مقررات قانون پولی و بانکی کشور، لایحه قانونی اداره امور بانکها و قانون عملیات بانکی بدون ربا و اساسنامه خود و ضوابط قانون تجارت و آیین نامه ها و دستورالعمل های مصوب مراجع ذیصلاح بانکی مربوط و مقررات بعدی ناظر بر بانکها اداره می شوند. شمول قوانین موضوعه جدید مربوط به مؤسساتی که سرمایه آنها متعلق به دولت است به بانکها، با رعایت قوانین حاکم بر نظام بانکی و سنخ کار بانکها، مستلزم تصریح می باشد که در این صورت، بایستی پس از ابلاغ یا انتشار، حسب مورد، از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا مجمع عمومی بانکها و در اسرع اوقات در آیین نامه ها و ضوابط و دستورالعمل های مربوط گنجانده شود و به بانکها ابلاغ گردد.

تبصره ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تابع مقررات مربوط به خود می باشد.

تبصره ۲- تعاریف یا اظهارنظرها و تصمیمات

قبلی مغایر در مواردی که به حقوق مکاتبه بانکها و کارکنان آنها لطمه بزند، ملغی است.

تبصره ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با همکاری مجمع عمومی بانک مرکزی ظرف شش ماه از تاریخ انتشار این قانون، مقررات و قوانین سابق مربوط به بانکها را با ماده واحده تطبیق نموده و در صورتی که نیاز به وضع قوانین جدید باشد، لایحه قانونی مربوطه را ظرف مدت مذکور برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی در هیأت وزیران مطرح کند و در غیر این صورت، آنها را لغو نماید.

(توضیح لازم: ماده واحده و تبصره های آن زمانی تدوین شده است که تجدیدنظر در قوانین بانکی مطرح نبوده است.)

(۲) شرکت دولتی، واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود، یا به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی شده یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد...

(۳) ماهنامه تازه های اقتصاد / شماره ۶۵ / مهرماه ۱۳۷۶ / به نقل از استاد دکتر سید محمود کاشانی.

بانک و اقتصاد

خواننده گرامی

مجله بانک و اقتصاد برای شما تهیه می شود

و از آن شما است.

بنابراین: (۱) مطالب خودتان را برای درج

در نشریه ارسال فرمایید.

(۲) ما را از پیشنهادها و نظریات

خود بهره مند کنید.

(۳) برای پیام های تبلیغاتی خود

از امکانات ما بهره بگیرید.

نشانی: تهران / بسطوار کشاورز / خیابان

حجاب / کوچه سوم / پلاک ۱۱+۲

تلفن: ۶۵۵۱۳۵